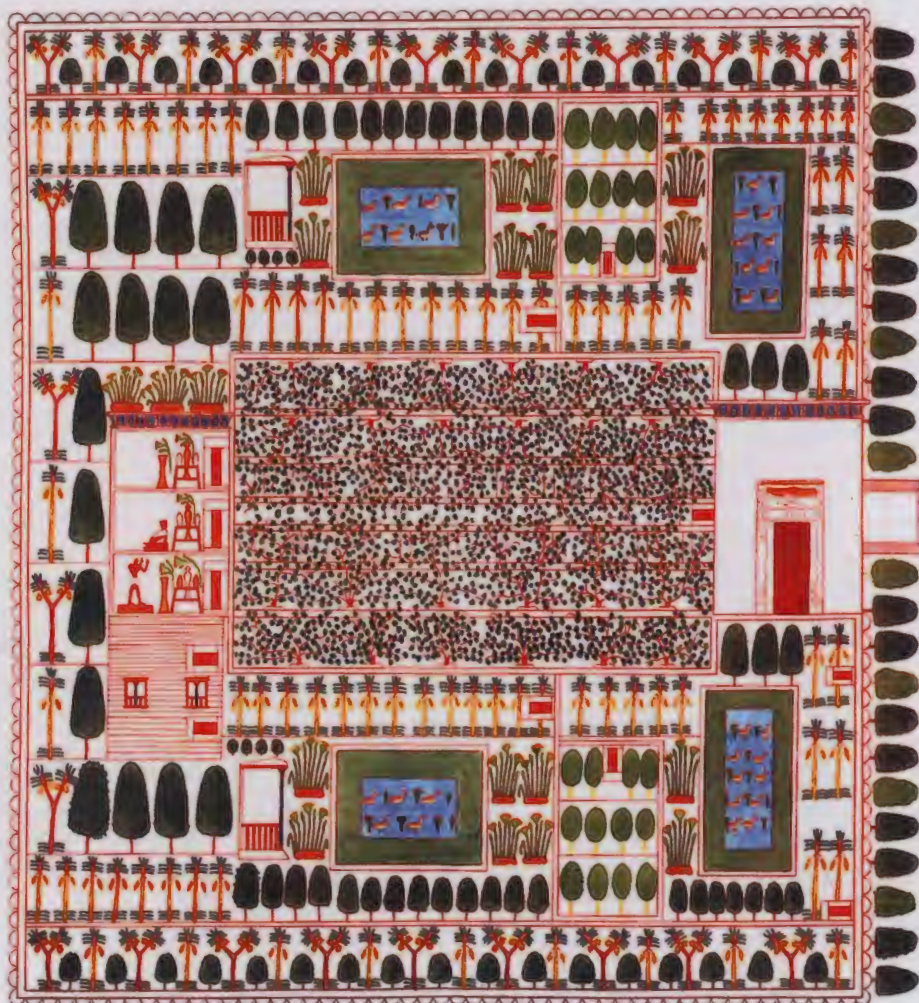


تاریخ باغسازی

ریشه‌ها و خاستگاه‌ها



تدوین و برگردان: دکتر علی اسدپور

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر شیراز

تاریخ باغسازی

ریشه‌ها و خاستگاه‌ها

تدوین و برگردان: دکتر علی اسدپور
عضو هیئت علمی دانشگاه هنر شیراز



اسدیپور، علی، ۱۳۶۱ -، گردآورنده، مترجم
تاریخ باغسازی؛ ریشه‌ها و خاستگاه‌ها/ تدوین و برگردان علی اسدیپور، با همکاری شایسته اسکندری ...
[و دیگران].
مشهد: کتابکده کسری، ۱۴۰۰.
۱۵۶ ص: مصور.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۳۵-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: نمایه.
موضوع: باغسازی -- تاریخ
موضوع: باغ‌ها -- تاریخ
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

Gardens -- Design -- History
Gardens -- History
SB۴۵۱
۷۱۲/۰۹
۷۶۴۶۳۱۳



کتابکده تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کسری

تاریخ باغسازی ریشه‌ها و خاستگاه‌ها

تدوین و برگردان: علی اسدیپور

با همکاری (به ترتیب حروف الفبا)

شایسته اسکندری، حسین پویانمهر، عاطفه جاوید، فاطمه حصیری، فرناز دسترنج، سیده یاسمن دهبزرگی،
فرشته زارع کار مقدم، سیده فاطمه طاهری، مسیح معافی، یاسمین نور صبحی

صفحه‌آرایی: منا گندمکار

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۳۵-۰

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: مشهد، فلسطین ۱۴ پلاک ۱۰ تلفن: ۳۷۶۷۰۰۱۹ ۰۵۱

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.kasrapublishing.ir

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات کتابکده کسری محفوظ است. هر گونه تصویربرداری و
تکثیر اعم از نسخه کاغذی و دیجیتال و... از تمام یا بخشی از کتاب ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.



۵	مقدمه
۷	توسعه آغازین باغسازی از حدود ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد
۱۷	باغ‌های سلطنتی بین‌النهرین
۲۳	نمادگرایی و طراحی در باغ‌های مصر باستان
۳۷	باغ‌های مصر باستان: موقعیت و نمادپردازی آنها
۴۵	باغ‌های باستانی در یونان و ایتالیا
۵۳	مبلمان در باغ‌های یونان باستان
۵۹	باغ‌های یونان از عهد هومر تا رم
۷۳	طبیعت در قالب هنر: باغ‌ها و مناظرها در زندگی روزمره رُم باستان
۸۳	باغ‌های پُمپی، هرکولانیوم و ویلاهای تخریب‌شده توسط وزوویوس
	کرت‌بندی‌ها و آبگذرهای سنگی در پاسارگاد:
۱۰۱	یادداشت‌هایی پیرامون سهم هخامنشیان در طراحی باغ
۱۰۹	پاسارگاد
	باغ به مثابه بیانیه سیاسی:
۱۱۵	نمونه‌هایی از خاور نزدیک در هزاره نخست پیش از میلاد
۱۲۳	کاخ باغ ساسانی
۱۳۳	درباره نویسندگان
۱۳۷	یادداشت‌ها
۱۵۳	نمایه



مقدمه

کار میدانی است و یا نتیجه پژوهش های ژرف و فراگیر. در لابه لای هر نوشتار می توان مفاهیم، معانی، نمادها و بن مایه های شکل گیری باغ را در هر دوره تاریخی یافت. هرچند ممکن است نظرات آنان منتقدانی هم داشته باشد، با این حال به عنوان یک سند، شایسته تأمل و تدبرند و دسترسی به آن، منبعی برای تحلیل های آتی خواهد بود. کمابیش تمامی نوشتارهای کتاب رویکردی میان رشته ای دارند و از معماری، باستان شناسی، تاریخ هنر و ادبیات در جای خود بهره می برند. این نگاه می تواند ارزش پژوهش های میان رشته ای را در بازخوانی تاریخ باغ روشن سازد.

در پایان شایسته است از انتشارات کتابکده کسری، مدیران فرهیخته آن و به ویژه جناب آقای مهندس مهدی آتشی به پاس دقت نظر و پشتیبانی های بی شماری که در انتشار این اثر داشته اند، سپاسگزاری گردد. این کتاب بدون زحمات، نکته سنجی ها و ذوق هنری صفحہ آرا و گرافست آن به سرانجام نمی رسید. از همه آنان و دیگر کسانی که در مراحل گوناگون آماده سازی کتاب سهم و نقش داشته اند، صمیمانه قدردانی می نمایم. از آنجاکه هیچ نوشته ای خالی از لغزش نیست، از دریافت نظرات و پیشنهادهای پژوهشگران ارجمند استقبال می گردد.

تاریخ باغسازی در جهان قدمت دیرینه ای دارد؛ با این حال، همواره ایده های نخستین و خواستگاه های آن موضوعی چالش برانگیز بوده است. این کتاب مجموعه نوشته هایی را گردآورده که می کوشند تصویری از نخستین بارقه های شکل گیری باغ را در مهم ترین تمدن های جهان به نمایش بگذارند. نوشته ها از بین النهرین آغاز و به مصر، یونان، رم و ایران باستان منتهی می شوند. در آغاز ایده هایی برای شکل گیری هندسه محوری و کاشت متقارن در باغسازی بین النهرین، ایران و مصر مطرح می شود. سپس پیوند میان فرم، کارکرد و معنا در باغ های مصر باستان کاویده شده و نوعی گونه شناسی برای آن پیشنهاد می گردد. در ادامه به جایگاه باغ و باغداری در یونان باستان و گونه های مبلمان در آن باغ ها اشاره می شود. میراث معماری رم در تاریخ باغسازی بخش دیگری از جستارهای این کتاب است؛ جایگاه منظر و طبیعت در زندگی روزانه مردم رم و ساختار شهرها و خانه های آنان از جمله موضوعات مهم این بخش هستند. سهم هخامنشیان در تاریخ باغسازی جهان و نوآوری ها و پیشکش های آنان، بخش های پایانی کتاب را شکل می دهند؛ کاوش های اولیه و یافته های نوین در این بخش گنجانده شده اند. در پایان به کاخ باغ ساسانی اشاره شده است.

نویسندگان هر نوشتار از صاحب نظران برجسته و شاخص اند. یافته های آنان یا حاصل



پاتریک باو*

۱. توسعه آغازین باغسازی از حدود ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد

شواهدی از باغداری گسترده در جوامع یکجانشین مصر و بین‌النهرین در هزاره سوم پیش از میلاد یافت شده است. [۳] هرچند گوناگونی محلی در دما و بارش وجود داشت ولی این مناطق در کل با خاک ضعیف و خشک سالی شدید فصلی شناخته می‌شوند. قحطی منابع غذایی می‌تواند این جوامع را ناگزیر کرده باشد که کشاورزی موفقی از گیاهان خوراکی را به شکل مکان‌های حفاظت‌شده‌ای که «باغ» می‌نامیم، تکامل بخشند. [۴] تداوم این توسعه به مدیریت سالانه سیل در سامانه رودخانه‌های منطقه بستگی داشته است؛ مانند رود نیل در مصر و دجله و فرات در بین‌النهرین. سیل در این رودخانه‌های بزرگ به‌طور مداوم از مناطق بالادست نه تنها آب لازم برای کشاورزی که خاک حاصلخیز یا گِل ولای را با خود می‌آورد تا باغبانی در دشت‌های سیل‌زده بتواند به‌خودی‌خود ممکن باشد و هم‌اکنون نیز چنین است. [۵] سرآغاز این امر با اهلی‌سازی و کشت غلات، حبوبات و میوه‌های وحشی و مقاوم در برابر گرما از حدود ۹۰۰۰ سال پیش از میلاد آغاز گردید. احتمالاً در ابتدا آب در آبادی‌های منزوی و در مقیاس نسبتاً کوچکی، از رودخانه یا چشمه برای کشت گیاهان گوناگون در چیدمانی خلق‌الساعه یا اتفاقی حمل می‌شد. کشاورزی در کوهپایه‌های زاگرس، نواحی زیر کشت را گسترش داد و ثمره‌های آن از حدود

احتمالاً فهم کنونی از باغسازی به‌واسطه کاوش در بنیان‌های باستانی افزایش می‌یابد؛ بنیان‌هایی که باغسازی امروزی بر پایه آن‌ها ساخته شده و اصول آن‌ها نیز از نمونه‌های ابتدایی برآمده و با آن‌ها درهم‌آمیخته است. خلق و نگهداری از باغ‌ها نقشی جدایی‌ناپذیر در گستره عمومی، اقتصادی، مذهبی و خصوصی در جهان باستان داشته است. هرچند بازسازی برخی از آن باغ‌ها [بر پایه شواهد] می‌تواند کاملاً یا نسبتاً ماهرانه انجام شده باشد، ولی با به هم پیوستن قطعات مجزایی از شواهد باستان‌شناسی، نوشتاری و تصویری، این کار دشوار خواهد شد. گاه‌شماری جهانی پذیرفته‌شده کنونی برای بازه زمانی حدود ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد به‌طور کامل تبیین نشده است و اشکال مختلفی از شواهد به‌طور پیوسته در حال بازبینی هستند و سایت‌هایی هر از چند گاه کشف می‌شوند که در نتیجه همواره تصویر کاملی را نمایش نمی‌دهند. به‌هرحال پذیرفته شده است که دگرگونی‌های فرهنگی و فناوری - شامل آن دسته که به ساخت باغ مربوط می‌شوند - در مصر و بین‌النهرین در خلال هزاره چهارم پیش از میلاد رخ داده است که در نتیجه این مناطق را فراتر از دیگر نقاط شناخته‌شده در جهان پیشرفت داده‌اند. [۱]

باغبانی عملکرد مرسوم خود را در جوامع یکجانشین یافت تا در جوامع گله‌دار و کوچ‌رو. [۲]

* Bowe, Patrik (2017). The early development of garden making c. 3000-c. 2000 BCE. Studies in the History of Gardens & Designed Landscapes, 1-11.

۵۵۰ پیش از میلاد با منحرف کردن طغیان‌های سالانه رودخانه‌ها در سامانه‌ای از آبراهه‌های گلین نمایان شد. آبیاری به وسیله آبراهه‌های مشابهی نیز با منحرف کردن طغیان‌های رودخانه نیل شکل گرفت که در قطعه حجاری شده‌ای متعلق به حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد نمایش داده شده است؛ در آن نارمر، پادشاهی از پادشاهان اولیه با کلنگ یا بیل آب را به یکی از سه آبراهه‌ای هدایت می‌کند که به یک محدوده کاشت یا باغ می‌رسند [۶] (تصویر ۱).

هرچند احتمالاً سامانه آب‌رسانی ایجاد شده بود ولی وسعت طغیان رودخانه، خارج از کنترل انسان بود و به کمیت آب و سرعت ذوب برف در کوه‌های دور دست بستگی داشت. گستردگی طغیان سالانه «در دستان خدایان» فرض می‌شد و در مهری استوانه‌ای متعلق به آکدی‌ها در حدود ۲۲۰۰ پیش از میلاد به شکلی نمادین بیان شده است. این مهر نشان‌دهنده جاری شدن آب در دو جویبار از اورنگی کوه‌شکل متعلق به خداوند است که زندگی گیاهی را با جوانه زدن جفتی از الهه‌های زن در پایین ممکن می‌سازد. به همین منوال رب‌النوع دیگری از ترکه چوبی برای هدایت جریان یکی از دو جویبار استفاده می‌کند [۷] (تصویر ۲). ممکن است چنین انگاشته شود که آبراهه‌های آبیاری در ابتدا محقر بوده باشند ولی رشد عقلانی و تدریجی در فرم و عملکرد آن‌ها باعث توسعه‌شان گردید. [۸]

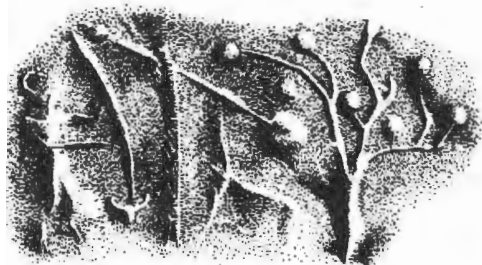
سندی از بین‌النهرین راجع به شیوه ساخت آبراهه با ابعاد دقیق باقی‌مانده که حاکی از آن است که مهندسی هیدرولیک در ساخت فرم اولیه آن به کار رفته است. [۹] محوطه کنترل‌کننده‌ای آب را به آبراهه‌های حیاتی که به باغ‌های مجزا منتهی می‌شدند، رسانده و پخش می‌کرد. آب با رسیدن به هر باغ، در پای هر گیاه یا گروهی از گیاهان به وسیله جوی‌ها یا نهادهای باریک جاری می‌شد. [۱۰] اگر تراز باغ به گونه‌ای بود که نمی‌توانست به طور کامل بر اساس نیروی جاذبه آبیاری شود از شادوف^۱ - نخستین دستگاه مکانیکی برای بالا بردن آب - برای انتقال آب از تراز پایین به بالا استفاده می‌گردید. شادوف از تیرک معلق و بلندی ساخته شده بود که ظرف یا پوستینی در یک انتهای خود داشت و سنگ یا کلوخی گلی نیز همسنگ با آن در دیگر انتهای آن قرار گرفته بود. آب با حرکت نوسانی و بالا و پایین شدن شادوف می‌توانست از یک آبراهه بالا آمده و در آبراهه دیگری در تراز بالاتر بریزد و یا به طور مستقیم گیاهی را آبیاری کند. نمونه‌ای از یک شادوف ساده، منعطف، قابل باز و بسته کردن و به راحتی قابل سرهم شدن در مهری استوانه‌ای متعلق به ۲۰۰۰ - ۲۴۰۰ پیش از میلاد در بین‌النهرین در حین کار نمایش داده شده است [۱۱] (تصویر ۳). هرچند سامانه جدید آبیاری امکان کشت در نواحی صحرایی پیرامون دشت‌های سیل خیز را میسر می‌ساخت ولی فصل کشت همچنان

تصویر ۱: (راست) نارمر - پادشاهی از سلسله پادشاهی اولیه مصر - در حال باز کردن آبراهه‌ای با کلنگ یا بیل تصویر شده است تا آب بتواند برای آبیاری گیاهان باغ مجاور، جاری شود. باز ترسیم از قطعه سنگی به نام «mac» از حدود ۳۱۰۰ ق. م. (آکسفورد، موزه آشورین).

تصویر ۲: (چپ) بهره‌وری کشت در نهایت در دستان خداوندان است. مهر استوانه‌ای آکدی. لاک صدف یا پوششی از آلیاژ مس از حدود ۲۱۵۹ - ۲۲۲۰ ق. م. (دمشق، موزه ملی).

1- Narmer
2- Shaduf
3- Phoenix dactylifera





مشابه نیاز خواهند داشت و این موضوع آبیاری را کاراتر می‌کند. چنین شیوه کارایی در آبیاری عملاً در کشاورزی مورد استفاده بود؛ شواهدی از آن در «گلدان اُرُوک» از حدود ۳۰۰۰-۳۲۰۰ پیش از میلاد از ناحیه‌ای در بخش جنوبی فرات به دست آمده است [۱۴] (تصویر ۵). خطی از جویبات به شکلی متناوب که احتمالاً نخود و غلات و شاید ارزن یا ذرت خوشه‌ای باشند با ارتفاع همگون و مقرون به صرفه و در یک فاصله از هم کاشته شده‌اند و در پایین‌ترین بخش از پایه نَگه‌دارندۀ گلدان تصویر شده‌اند. [۱۵] ظروف، مملو از میوه‌ها هستند که به نظر می‌رسد انجیر و انار باشند و در بخش بالایی گلدان نشان داده شده‌اند؛ به نظر می‌رسد درختان

میوه نیز کاشته می‌شدند. [۱۶]

اینکه باغ‌های میوه حتی در ناحیه‌ای وسیع مبتنی بر آبیاری کارآمد کاشته می‌شدند در «وزنه‌ای دستی» متعلق به ایرانیان در میانه و اواخر هزاره سوم پیش از میلاد تصدیق شده است که در آن رشته‌ای از سه درخت نخل خرما^۳ در فواصل یکسان و ارتفاعی همگون از یک آبراهه خطی به اشتراک بهره می‌برند [۱۷] (تصویر ۶). این موضوع که برخی از باغ‌های میوه دارای چندین رشته از درختان نخل خرما بودند در حجازی متعلق به ۲۳۵۰-۲۷۵۰ پیش از میلاد نمایش داده شده است که گمان می‌رود متعلق به ایران باشد. در آن در سه ردیف، باغستانی از درختان نخل خرما مصور شده‌اند که با ارتفاعی هماهنگ و در فاصله‌ای یکسان

محدود به فصل طغیان رودخانه بود. [۱۲] سیلاب باهدف بیشتر کردن بازه زمانی برای رویش سالانه گیاهان جمع‌آوری می‌شد و در گودال‌های طبیعی و یا استخرهای مصنوعی حفر شده، ذخیره می‌گشت. خلق چنین آبگیرها و سامانه آبراهه‌های اصلی متصل به آن‌ها تنها با ظهور حاکمان محلی قدرتمندی ممکن بود که می‌توانستند سازمانی اشتراکی را بسیج کنند و نیازمند نیروی کار عظیمی بود. افزون بر این، آبراهه‌ها و آبگیرها که از گل ساخته شده بودند، نیاز فراوانی به نگهداری داشتند و می‌بایست به‌طور مداوم از نو حفر شده، علف‌های هرز آن زدوده شده و پاک‌سازی شوند و حاشیه‌های آن هر از چند گاهی از نو ساخته شوند.

هدف کلیدی از ساخت باغ، تقلیل تظاهر اتفاقی طبیعت به قاعده‌ای انسان‌ساخت بود. این موضوع در تصویری از صحنه شکار از حدود ۲۱۵۹-۲۲۲۰ پیش از میلاد از آکدی‌ها بازنمایی شده است که در آن درختان یک باغ میوه نه تنها به‌طور متقارن مرتب شده‌اند و در شکل و اندازه همگونی هستند بلکه طرح‌مایه‌ای خطی نیز دارند [۱۳] (تصویر ۴). سامانه خطی به جای چینش غیرمستقیم یا اتفاقی، برای آبراهه‌های آبیاری و کاشت مبتنی بر آن انتخاب گردید. کوتاه‌ترین فاصله بین دو گیاه، خطی مستقیم بود لذا کمترین میزان آب به واسطه نشست یا تبخیر از میان می‌رفت. اگر گیاهان در خط مستقیم و هم فاصله با یکدیگر بوده و یک اندازه باشند، میزان آب مشابهی در توالی

تصویر ۳: (چپ) در اینجا آب دیده می‌شود که با یک شادوف برای آبیاری بالا آورده شده است. ترسیم از روی مهر استوانه‌ای آکدی متعلق به ۲۰۰-۲۴۰۰ ق.م. چالز سینگر و همکاران. (تاریخ فناوری، جلد اول، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۵۴).

تصویر ۴: (راست) درختان با کاشت متقارن. استوانه‌ای آکدی از سنگ چخماق از حدود ۲۱۵۹-۲۲۲۰ ق.م. (نیویورک، موزه هنر متروپولیتن).

تصویر ۵: اهلی کردن کاشت غلات، جویبات و میوه‌های وحشی در گلدان اُرُوک جشن گرفته می‌شود. مرمر سفید متعلق به ۳۰۰۰-۳۲۰۰ ق.م (بغداد، موزه ملی عراق).





تصویر ۶: (چپ) وزنه سنگی دستی و حکاکی شده از جنس کلریت شیبست. نیمه تا انتهای هزاره سوم ق.م. ایران (نیویورک، موزه هنر متروپولیتن).

تصویر ۷: (راست) جام حکاکی شده. سنگ کلریت از حدود ۲۳۵۰-۲۷۰۰ ق.م. ایران (نیویورک، موزه هنر متروپولیتن).

تصویر ۸: پیکره‌های نشسته در برابر درخت نخل خرما. سنگ آتش‌فشانی آکدی یا مهر سنگی متعلق به هزاره سوم اور. حدود ۲۱۰۰-۲۲۰۰ ق.م. (موزه بریتانیا، لندن).

- 1- Mari
- 2- Salix babylonica
- 3- Kiru
- 4- Dourm palm

کاهش می‌یافته است. قطعه‌ای برجای مانده از شهری سومری به نام ماری^۱ از حدود ۲۲۵۰-۲۵۵۰ پیش از میلاد، باغبانی را نمایش می‌دهد که در نظر دارد از گیاه کوچکی در سایه نخل خرما نگهداری کند؛ درخت نخل به واسطه تنه فلس‌وار آن قابل شناسایی است (تصویر ۹).

اهمیت سایه درختان نه تنها برای گیاهان کوچک و لطیف بلکه برای مردمی که در تصویر تجسم یافته‌اند نیز مهم بوده است؛ فردی که در حال تیمار یک درخت جوان و چه بسا درخت بید بومی^۲ است تا برای آن یک سازه سایه‌دار فراهم آورد (تصویر ۱۰). هرچند کاشت درختان نخل خرما فراگیر بوده است ولی دیگر درختان میوه نیز به فراوانی کاشته می‌شدند. [۲۰] از اهمیت کاشت آن‌ها می‌توان این واقعیت را استدلال کرد که واژه مورد استفاده برای باغ و باغ

از یکدیگر نیز کاشته شده‌اند [۱۸] (تصویر ۷). درخت خرما برجسته‌ترین جزء در باغستان‌های منطقه بوده که همچنان در ادبیات معاصر و اسناد بصری به نمایش درآمده است. [۱۹] به عنوان مثال اهمیت کاشت آن در مهر استوانه‌ای شکل آکدی متعلق به حدود ۲۱۵۹-۲۲۲۰ پیش از میلاد نشان داده شده که در آن نخل میوه‌دار در مرکز قرار گرفته و در هر طرف آن تصویری از یک مرد و یک زن با کلاه تاج‌گونه رو به آن قرار دارند (تصویر ۸). آن‌گونه که بازنمایی باغستان‌های نخل نشان می‌دهند، فاصله میان نخل‌ها تقریباً به اندازه چتر آن است و فضای کافی برای کاشت گیاهان متوسط کوتاه‌قد همچون سبزیجات یا گل‌ها در سایه آن‌ها وجود دارد. از این روی احتمال خشک شدن شان زیر آفتاب سوزان اقلیم صحرا





به عنوان یک تخصص لحاظ شده است. [۲۴] طراحی به دست آمده از مقبره‌ای مصری متعلق به ۲۸۹۰-۳۱۵۰ قبل از میلاد حاکی از آن است که افزون بر هندسه خطی ساده، هندسه چهارگوش نیز برای کاشت گیاهان یک ساله شامل سبزیجات باعث تحولات تدریجی در ابزارهای آبی باغسازی شده است. این طراحی که سبک خاصی دارد شماری باغ دایره‌ای شکل را نشان می‌دهد که هریک شامل باغچه‌های کوچک مربع یا شبه‌دوازقه‌ای شکل هستند و با درختان سایه‌دار از هم جدا شده‌اند (تصویر ۱۱). هندسه چهارگوش کوچک و پیوسته باغچه‌های مربعی با اندازه‌های متحدالشکل برای رشد گیاهان کوچک به استاندارد برای سازمان دهی باغ در هزاره بعدی بدل گردید. به عنوان مثال پلان نقش برجسته‌ای از

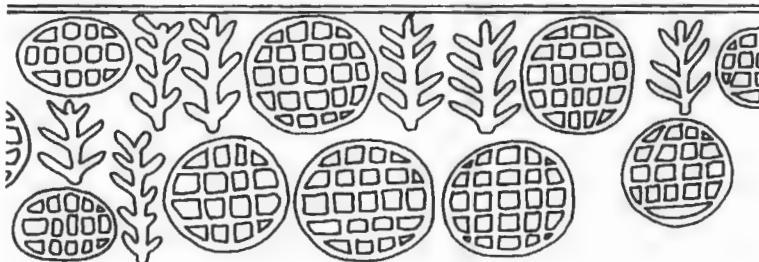


میوه در زبان آکدی یعنی «کیرو»^۲ هر دو یکسان هستند. [۲۱] در منابع به انجیر، سیب و زیتون در بین‌النهرین اشاره شده است. [۲۲] درخت مرسوم انجیر و نخل آفریقایی^۳ هر دو گونه‌های محلی هستند و در تصاویر پادشاهی کهن مصر همانند درختان انار و انگور بومی شده (آخری بر روی عصاهایی چنگالی شکل می‌رویدند) نمایش داده شده‌اند. [۲۳] انجیر مصری -گونه‌ای که از شرق آفریقا وارد شده بود- نیز بومی شد و به طور گسترده در مصر کاشته می‌شد. شدت یافتن و متنوع شدن کشت و زرع بارشد کارگران ماهر سبب شد که پیشه باغبانی گرامی داشته شده و به عنوان مهارتی تخصصی تلقی شود؛ آن چنان که در متنی به نام «سیاهه» تخصص‌های متعارف^۴ متعلق به بین‌النهرین از حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، «باغبان»

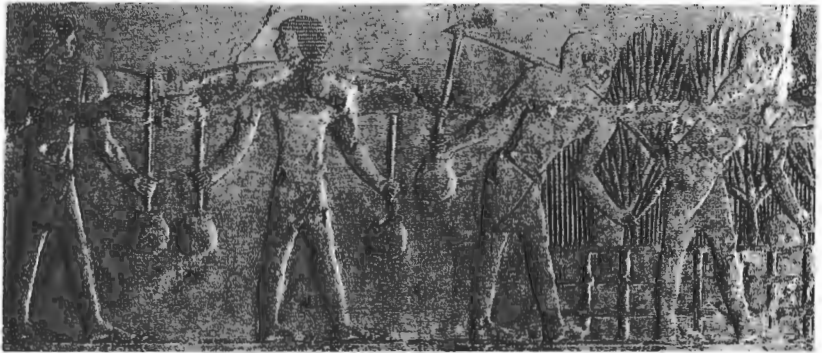
تصویر ۹: (چپ) کاشت گیاهان کوتاه‌قد در سایه درختان میوه. حکاکی روی کلوریت. حدود ۲۲۵۰-۲۵۵۰ ق.م. (دمشق، موزه ملی).

تصویر ۱۰: (راست) اهمیت سایه درختان. ترسیم از هنری فاچر-گادین از شهر استوانه‌ای. حدود ۲۱۵۰-۲۳۲۰ ق.م. (پاریس، موزه لوور).

تصویر ۱۱: باغچه‌های هندسی، ممتد، مربع یا دوازقه‌ای شکل که برای کاشت گیاهان کوچک همچون سبزیجات تحول یافته‌اند. حدود ۲۸۹۰-۳۱۵۰ ق.م. ترسیم شده توسط جانیتا هومن برگرفته از دبلیو.ام. فلیندر پتری، مقبره سلطنتی پادشاهی اولیه، تصویر شماره ۵.



تصویر ۱۲: (بالا) استفاده از باغچه‌های هندسی مربع‌شکل همگون. نقش برجسته بر روی سنگ، ۲۳۳۰ ق. م. مقبرهٔ مروره، سقاره، مصر.



تصویر ۱۳: (پایین) کاوش باغی در میرگسا واقع در سودان امروزی شامل حدود ۲۰۰ باغچهٔ مستطیل شکل کوچک و هم‌اندازه با لبه‌های گلی بالآمده. حدود ۱۵۵۰-۲۱۲۵ ق. م. (لیل، موسسهٔ مصرشناسی لیل).

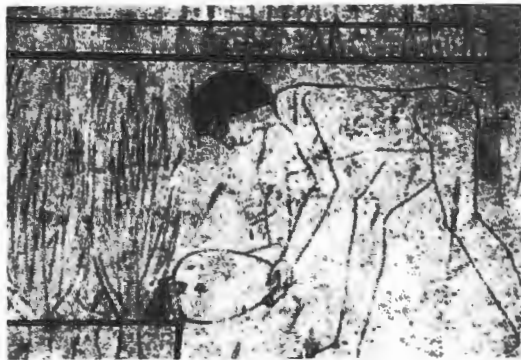
تصویر ۱۴: (مقابل-پایین) کاسه‌ای مکشوف در سوریه که باغی شامل موزاییک‌های کوچک دوزنقه‌ای را نشان می‌دهد. آلیاژ مس. احتمالاً قطعه‌ای متعلق به فینیقی‌ها. بدون تاریخ (لندن، موزهٔ بریتانیا).

- 1- Saqqara
- 2- Mirgissa
- 3- Poppy
- 4- Cornflower



می‌دهد به باغچه‌های کوچک و مربع‌شکل تفکیک و یا به آن افزوده شود. برای هر باغچه، ترکیب دقیقی از شن و گِل بارور فراهم می‌شد و با مقدار معینی از آب با دست آبیاری می‌گردید (تصویر ۱۵). در میرگسا هر لبهٔ بالآمدهٔ باغچه از گِل شکل یافته بود و تضمین می‌نمود که هر باغچه همچون یک «تشت» جداگانه عمل کند و آب را به دام اندازد و مانع از آن شود که مواد مغذی خاک، شسته شده یا سرریز نماید. شن‌های حمل شده در جریان طوفان‌های صحرایی نیز به باغبانان این امکان را می‌دادند که نشیمن‌گاهی برای نگهداری از گیاهان در باغچه فراهم آورند (تصویر ۱۶). در میان سبزیجاتی که در باغ‌های مصری

۲۳۳۰ سال پیش از میلاد متعلق به سقاره^۱ در مرکز مصر نشان‌دهندهٔ آبیاری دستی باغچهٔ مستطیل‌شکلی است متشکل از حدود ۲۱ باغچه موزاییک‌مانند از مستطیل‌های کوچک و به هم پیوسته با اندازه‌های همگون که هر باغچه به وسیلهٔ لبهٔ بالآمده‌ای از دیگری مجزا و تفکیک می‌شد (تصویر ۱۲). فراگیری این طرح مایه از یک سوی به گواهی داده‌های باستان‌شناسی به دست آمده در باغ بزرگی از حدود ۱۵۵۰-۲۱۲۵ پیش از میلاد در میرگسا^۲ -استانی در سودان کنونی- تأیید شده که شامل تقریباً ۲۰۰ باغچهٔ به هم پیوسته و هم‌اندازه است و از سوی دیگر در قطعات جامی کشف‌شده در سوریه، موزاییک‌های کوچک، پیوسته و دوزنقه‌ای شکل به جای مربع به عنوان باغچه‌های هم‌شکل پیرامون درختان دیده می‌شوند که گمان می‌رود درختان میوه باشند. این نمونه نیز گواهی دیگر بر این مدعا است [۲۵] (تصاویر ۱۳ و ۱۴). اقتباس گسترده از این طرح مایه می‌بایست ناشی از مبنای غیرسلسله‌مراتبی مستطیل باشد که به قطعات مجزای باغ اجازه می‌دهند به آراستگی در کنار هم قرار گرفته و به ارتقای کارایی استفاده از فضای باغ کمک کنند. هندسهٔ قابل‌گسترش آن نیز اجازهٔ سازگاری با سایت‌های گوناگون با شکل‌ها و اندازه‌های مختلف را می‌دهد و در صورت نیاز به اندازه و شکل کلی باغ اجازه



هندسه خطی در انتهای هزاره سوم پیش از میلاد به شکل توسعه یافته تر هندسه محوری و به مثابه ابزاری در ساخت باغ دگرگونی یافت. در آینده، هندسه محوری به شکل توسعه یافته تر «تقارن محوری» و «تقارن پیرامون محور مرکزی» دگرگون شد و به کار رفت؛ این شیوه، حرکت و کارایی آبیاری را تضمین می کرد چراکه هر دو طرف باغ می توانستند به طور مساوی آبیاری شده و دسترسی داشته باشند. این موضوع در نمونه ای از یک باغ از حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد در مقبره یک دیوان سالار مصری کاوش شده است [۲۸] (تصویر ۱۷). محور در پلان متقارن باغ به مرکز ساختمان منضم به باغ و به سمت استخر مرکزی که در پیرامونش ردیف های برابر و هم فاصله ای از درختان انجیر مصری کاشته شده اند، گسترش می یافت تا در نهایت در انتهای دیگر باغ به یک درخت انجیر مصری در مرکز منتهی شود. انجیر مصری درختی ایدئال برای کاشت متقارن است چراکه به آسانی هرس می شود به نحوی که یک ردیف از درختان می توانند در صورت نیاز برای هماهنگی در شکل و اندازه، هرس شوند.

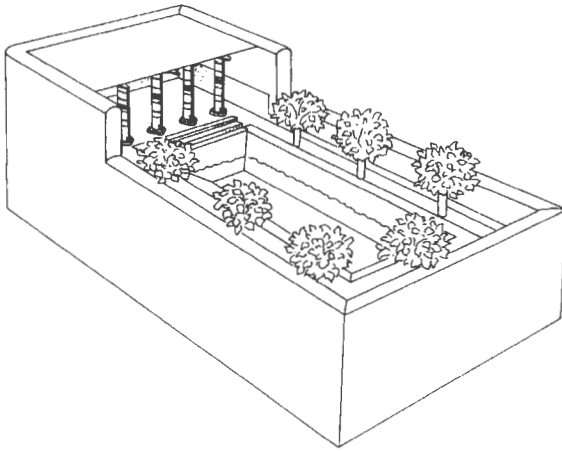
مرکزیت استخر یا آبیگر باغ بسیار کارا بود چراکه تمام جوانب باغ می توانست برابر آبیاری شود. عناصری که می توان در طراحی به آن اشاره نمود شامل این موارد هستند: (۱) هماهنگی تناسبات استخر با کلیت باغ،

در این زمان ثبت شده اند، انواع پیاز و کاهوی ایستاده و برگی قابل اشاره اند. [۲۶] گل هایی مانند شقایق^۲، گل گندم^۳، گل ختمی و شماری از خانواده گل مینا نیز ثبت شده اند که تا اندازه ای برای ساخت رایحه و پیشکش استفاده می شدند. [۲۷] چنین باغ هایی اغلب اوقات به دلیل مصالح ناپایدارشان، تأسیسات ماندگاری نداشتند بلکه با مطلوب شدن شرایط برپا می شدند. نظم هندسی که چنین باغ هایی بر پایه آن بنا نهاده می شدند و مهارتی که به نمایش می گذاشتند با وجود هدف های منفعت طلبانه و بدون توجه به جنبه تزئینی، همواره مورد تحسین و از نظر زیبایی شناختی نیز لذت بخش بودند.

تصویر ۱۵: (راست) باغچه های کوچک کاشت، طرح ناتمامی با رنگ قرمز آخراپی. حدود ۲۳۱۰ ق.م. مقبره Neferherenptah، سقاره، مصر.

تصویر ۱۶: (چپ) لبه های بالآمده باغچه های کوچک. همان.





۲) هماهنگی بنا نسبت به باغ که هر دو عرض یکسان داشتند، ۳) استفاده از ایوان ستون دار به مثابه فضای واسط، ۴) تقلید از عناصر گیاهی که در آذین بندی ایوان استفاده می شد و سرانجام ۵) درختان انجیر مصری که می توانستند در تناسب با اندازه باغ همچنان بی تغییر بمانند.

مدارکی از باغ قصرها و معابد بین النهرین با مقیاسی یادمانی باقی مانده است. «باغ بزرگ» که به دست پادشاه اور ساخته شد در انتهای هزاره سوم پیش از میلاد ثبت شده است. [۲۹] باغ سلطنتی در کیش^۱ که در آن سارگون (۲۲۴۵-۲۳۰۰ ق.م.)، پدر امپراتور آکدی مشغول کار است، به نظر می رسد که بسیار بزرگ بوده باشد. [۳۰] توان فیزیکی مورد نیاز برای نگهداری از دیگر باغ های بین النهرین متعلق به نخبگان در سندی درباره «روغن برای مراسم مذهبی باغ ها» که چه بسا برای نرم کردن عضلات و لوسیون پوست استفاده می شده، نیز ثبت شده است. [۳۱] معابد به باغ های میوه خود افتخار می کردند، احتمالاً از این جهت که برای ملازمان خود خوراک فراهم می آوردند؛ با این حال این باغ ها به طور منظم پیشکش هایی نیز برای خدایان تأمین می کردند. [۳۲]

هندسه محوری نه تنها در باغ ها استفاده شد بلکه در مقیاس بزرگ در کاشت گیاهان در منظر نیز به کار رفت. راه دسترسی برخی معابد با گذرگاه هایی مستقیم، با درختان ردیفی یا خیابان هایی نسبتاً خطی که درختان در ابعاد و اشکالی همگون و در فاصله ای برابر کاشته و به صف شده بودند، ساخته می شد به نحوی که معبد در مرکز تقارن قرار گیرد. این موضوع سایه هایی نیز برای اهل دین فراهم می آورد که برخی مواقع برای انجام مراسم مذهبی به سوی معبد می شتافتند. به عنوان نمونه در مسیر دسترسی به معبد تدفین فرعون متوحتوب دوم (۲۰۱۰-۲۰۶۱ ق.م.) که در ابتدای مجموعه

معابد کارناک در ساحل شرقی رودخانه نیل قرار دارد، چنین چیزی دیده می شود. این مسیر انحرافی از رودخانه در خط یا محوری مستقیم کشیده شده بود و حدود ۴ کیلومتر آن طرف تر به معبد تدفین در سمت غرب رود می رسید. به جاده آجر فرش منتهی به معبد تدفین با خیابانی از درختان به عرض ۳۰ متر سایه افکنده می شد. در کاوش ها گودال های سنگی حفر شده در دل صخره با فاصله مساوی و دایره ای شکل برای کاشت گیاهان آشکار شدند که تا بیش از ۳ متر عمق داشتند. این حفره ها حاوی گل بارور و یا گل ولای رودخانه نیل بودند و تنها در ۷ دسته از جاهای خالی از درختان انجیر مصری که خیابان را می ساختند، باقی مانده بودند؛ هر چند که در ۲ ردیف از ۱۷ دسته، درختانی کاشته شده بود (تصویر ۱۸). تعداد گودال های کوچک دایره ای در کل ۵۵ عدد می شدند. در خارج از امتداد خیابان، باغستان های درختان گز مقاوم در برابر باد های شدید، کاشته شده بودند که گمان می رود برای حفاظت از خیابان در برابر طوفان های شن بیابان بوده باشند. [۳۳] باغچه های مستطیل شکل گل ها، ۷ در ۲ متر مربع و با ردیفی از تندیس های ایستاده فرعون بودند و ترکیبی از پیکرتراشی و خیابانی از درختان را

تصویر ۱۷: تا انتهای هزاره سوم قبل از میلاد، هندسه خطی با توسعه هندسه محوری و تقارن به ابزاری در ساخت باغ بدل شد. بینشی تازه برای هارمونی بخشیدن به عناصر باغ، شکل استخر و اندازه درختان آن - همچون درختان انجیر مصری که با هرس کردن با یکدیگر همانند می شدند- قابل مشاهده است. چوب رنگ شده، تبس. حدود ۱۹۹۸-۲۰۰۹ ق.م. (نیویورک، موزه هنر متروپولیتن).

مردم مصر و بین‌النهرین از هزارهٔ دهم ق.م. کاشت و پرورش درختان میوه را با موفقیت تکامل بخشیدند. از هزارهٔ ششم ق.م. به این سو، کشاورزی وسیع و گسترده میسر شده بود که نتیجهٔ سامانهٔ آب‌رسانی مبتنی بر آبراهه‌ها بود. سامانه‌ای که آب رودخانه نیل، دجله و فرات و همچنین منشعبات آن‌ها را به خدمت می‌گرفت. نیاز به حفظ آب به رواج هندسهٔ مستطیل‌شکل در طرح باغ انجامید که در آن کوتاه‌ترین فاصله بین دونقطه و در اینجا دو گیاه، خطی مستقیم بود. از این روی، هدر رفت آب از طریق تبخیر یا نشت به حداقل می‌رسید. بنابراین درختان میوه به خط کاشته می‌شدند تا آبراه‌های مستقیم را دنبال کنند، درختان در فاصله‌های برابر کاشته می‌شدند و در اندازهٔ همگون بودند به نحوی که هرکدام میزان مشابهی از آب را نیاز داشت. نیاز به کارایی در آبیاری به باغ‌هایی با نظم هندسی انجامید. هندسهٔ مستطیل‌شکل قابل گسترش به جای مستطیل ساده، برای کاشت گیاهان یک‌ساله تکامل یافت که شامل سبزیجات نیز می‌شد و به ابزاری برای برنامه‌ریزی آبی باغ بدل گردید. ماهیت تجمع‌پذیر و قابل گسترش این طرح به طرح‌مایه‌ای سازگار و انعطاف‌پذیر انجامید؛ واحدهای پایه می‌توانستند جابجا و یا افزوده و در صورت نیاز تقسیم شوند. هندسهٔ خطی نیز در هندسهٔ تکامل‌یافته‌تر محوری دیده می‌شود که نه تنها در باغ‌ها بلکه در مقیاسی بزرگ‌تر در منظر طراحی شده نیز قابل مشاهده است. استفاده از تقارن به مثابهٔ شکل بهسازی شدهٔ هندسهٔ محوری، کارایی جریان آب و آبیاری را تضمین می‌کرد چرا که هردو طرف باغ می‌توانستند به صورت برابر آبیاری و دسترسی داشته باشند. به این ترتیب ارادهٔ نوینی در هماهنگ کردن عناصر باغ، شکل استخر، اندازهٔ درختان که با هرس در کل به یک اندازه درمی‌آمدند، قابل مشاهده است.



پدید آوردند که به نخستین سرمشق بدل شدند و در آینده پیچیدگی بیشتری به طرح‌مایهٔ تقارن در منظر طراحی شده بخشیدند. [۳۴] قطعه فرسکی تقریباً امروزی متعلق به قصر ماری حاکی از آن است که تقارن به مثابهٔ ابزاری برای طرح‌ریزی کاشت در بین‌النهرین نیز تکامل یافته بود (تصویر ۱۹). این فرسک نمایانگر معبدی است که چیدمانی از درختان کاج و نخل خرما آن را به صورت قرینه احاطه کرده‌اند؛ جنبهٔ یادمانی ارتفاع آن حاکی از این است که درختان معبد برخلاف درختان غیرمذهبی که اغلب برای چوبشان پرورش می‌یافتند، محافظت می‌شدند. [۳۵]

تصویر ۱۸: هندسهٔ محوری نه تنها ابزاری برای ساخت باغ‌ها که برای منظر طراحی شده در مقیاس بزرگ نیز به کار رفت. گودال‌های دایره‌ای شکل برای کاشت درختان و گودال‌های کوچک‌تر برای کاشت درختان گز در عکس هوایی قابل تشخیص هستند. حدود ۲۰۰ ق.م. دیرالبحری، مصر.

تصویر ۱۹: قطعه فرسکی متعلق به قصر ماری. قصر زیمری-لیم. آغاز هزارهٔ دوم ق.م. (پاریس، موزه لاور).





۲. باغ‌های سلطنتی بین‌النهرین

لئو اوپنهایم*

پادشاه را از کسانی که مشمول پذیرش نیستند جدا می‌سازد. پس از آن به «حیاط اندرونی» می‌رسیم که با افزایش محدودیت‌ها و دسترسی به جهان خارج درباریان همراه است (استر ویژگی غیرقابل دسترس بودن آن را ویژگی مقدسی توصیف کرده است). در عین حال، این امکان برای مردخای^۲ فراهم می‌شود که استر را در حیاط سرای زنان ببیند و پیش از اینکه وی به اقامتگاه ملکه منتقل شود با واسطه‌ای برای او پیغامی بفرستد.

در جریان داستان به بخش دیگر از کاخ سلطنتی که عمارت بیتان^۵ نامیده می‌شود، برمی‌خوریم که دو بار به آن اشاره شده و هر دو بار هم مکانی برای اجرای جشن‌ها بوده است؛ نوعی سمپوزیوم. در هر دو مورد، حوادثی که در بیتان رخ داده است، دراماتیک بوده و برای داستان مهم هستند؛ نه تنها کل زنجیره وقایع با دستورات پادشاه به ملکه وشتی^۶ رخ می‌دهد بلکه اوج داستان یعنی رویارویی هامان^۷ و استر نیز در این مکان بوده است. به دفعات، اصطلاح «باغ بیتان پادشاه»^۸ را در جمله‌ای می‌توان دید.

کتاب استر^۱ شامل اطلاعات قابل توجهی در مورد مجموعه بناها و آرایش حیاط‌ها و دروازه‌هایی است که کاخ شاهی مشرق‌زمین، متعلق به هزاره نخست پیش از میلاد را تشکیل می‌دهند. می‌دانیم که در شوش یک دروازه شاهی، یک حیاط اندرونی و یک بیرونی در محلی که «سرای شاهی» (پت هملک)^۲ نامیده می‌شود، وجود داشته است. اصطلاح مشابهی نیز به «تالار سلطنتی» اطلاق می‌شود؛ یعنی در آنجا که واژه پت هملکوت^۳ برای محل اقامت ملکه در نظر گرفته شده است. دو اصطلاح دیگر نیز ذکر شده‌اند: «سرای زنان» [حرم سرا] که دارای حیاط بود و تحت نظارت مقامی با عنوان «محافظ زنان» قرار داشت و دیگری آنچه «سرای دوم زنان» نامیده می‌شده است؛ یعنی جایی که معشوقه‌های پادشاه تحت حفاظت پیشکار پادشاه در آنجا زندگی می‌کردند. اگرچه جزییات طرح برای ما در هاله‌ای از ابهام قرار دارد ولی متن، با مشخص نمودن سلسله‌مراتب دسترسی، چیدمان مجموعه بناهای کاخ را شرح می‌دهد: «دروازه شاهی»،

* Oppenheim, A. Leo (1965). On Royal Gardens in Mesopotamia. *Journal of Near Eastern Studies*, 24(4), 328-333.

۱- به عبری مگیلا نیز نامیده می‌شود. کتابی در بخش سوم تنخ (عهد عتیق) و همچنین کتاب مقدس یهودیان است. روایت کتاب استر را وی خود داستان به زمان خشایارشا هخامنشی نسبت داده است. -م.

2- Bét Hammelek (King's House)

3- Bét Hammalkut (Royal Chamber)

۴- از شخصیت‌های کنویم در تنخ یهودی و عهد عتیق در انجیل است که نخستین بار نامش در کتاب استر ذکر شده است. وی در سال ۵۹۷ پیش از میلاد اورشلیم را ترک گفت و در تختگاه شوش اقامت‌گزید و دختر عمویش هذسه را به فرزندخواندگی پذیرفت. بقعه مربوط به مرخای و استر (هذسه) در همدان قرار دارد. -م.

5- Bitan

۶- وشتی (Vashti)، همسر پاکدامن و ملکه نخست اشکور (به روایتی خشایارشا) در کتاب استر است که به علت نپذیرفتن خواسته شاه برای پوشیدن لباس نیمه برهنه در جشن از جایگاه ملکه ایران برکنار شد. گفته مک‌کولوگ شاید ذراتی از حقیقت در پشت داستان استر باشد ولی کتاب در وضع حاضرش دارای اشتباهات و تناقضاتی است که باید به عنوان یک افسانه تاریخی (نه روایت تاریخی) قلمداد شود. نام همسر خشایارشا به استناد هرودوت، آمستریس دختر اتانس بوده درحالی که هیچ اثری از وشتی یا استر در تاریخ هرودوت نیست. -م.

۷- هامان (Haman) پسر همداتای اجاجی و وزیر آخسوزش یا خشایار پادشاه ایران بود. از آنجایی که اجاج لقب شاهان عمالیقی بود، علمای یهودی تصور کرده‌اند که هامان از نسل خاندان سلطنتی عمالیقی باشد. او یا پدرش به صورت اسیر وارد سرزمین پارس شده باشند. سجد نکردن مردخای در برابر او، باعث بدبینی او به یهودیان شد. حقیقت تاریخی این واقعه کتاب مقدس، معمولاً مورد سؤال است. -م.

لازم به ذکر است که جشن عمومی در حیاط باغ بیتان برگزار می‌شد. درحالی‌که به نظر می‌رسد ضیافت‌های خصوصی که تنها عالی‌رتبه‌ها اجازه شرکت در آن را داشتند، در خود بیتان برگزار می‌شده است. این اصطلاح زمانی که پادشاه با عصبانیت جشن را ترک می‌کند و به سوی «باغ بیتان شاهی» می‌رود تا هامن بدقبال را در تخت ملکه بیابد نیز به کار رفته است. بیتانو در کتاب سپتواگینتا^۱ به «خانه» ترجمه شده است و هنگامی که واژه آکدی بیتانو در کتیبه^۲ اسرحدون^۳ ظاهر می‌شود [۱]، آن را با واژه بیتان در ارتباط دانسته و برگران آن به واژه «کاخ» مقبول می‌افتد.

واژه بیتانو به غیر از معنی اصلی خود دو معنی دیگر در زبان آکدی داشت؛ «یکی درون (شیء یا خانه) و دیگری فضای داخلی (کشور)». یک معنی آن به کارکنانی که در معبد یا سازمان کاخ شاهی کار می‌کردند و جزو مجموعه داخلی محسوب می‌شدند، اطلاق می‌گردید و به این ترتیب آن‌ها را با اطلاق واژه بیتانو از افرادی که «خارج» نامیده می‌شدند، جدا می‌ساختند. شواهد این ادعا کاربرد آن در متون بابل میانه از نیپور و متون بابل نو از سیپار و... است: جمعیت ساکن در کاخ یا اعضای تشکیلات معبد که متعلق به آن هستند و بیتانو را می‌ساختند، «سا بیتانی»^۴، «سا پَن بیتانی»^۵ یا «سا موهی بیتانی»^۶ خوانده می‌شدند. در کاربردی دیگر به نظر می‌رسد که بیتانو به یک عمارت ویژه در داخل کاخ یا معبد اطلاق می‌شده است. این کاربرد، محدود به متون دوره بابل نو و آشور نو است.

ارجاع به بنایی ویژه به نام بیتانو به کتیبه‌های سناخریب و اسرحدون بازمی‌گردد. کتیبه‌ای خشتی وجود دارد که سناخریب برای پسر نافرمان خود آشور ندین شومی^۷ در آشور دستور به ساخت آن را داد. همچنین دو تخته سنگ دیگر متعلق به اثنا^۸ که توسط

همان پادشاه و در همان شهر برای خدای آشور ساخته شده نیز وجود دارند. یکی از این کتیبه‌ها کاملاً کوتاه و متنی مختصر دارد، ولی دیگری خبر از بنایی می‌دهد که برای خدا و به دستور پسر کوچک پادشاه ساخته شده است. [۲] اگرچه این کتیبه‌ها هیچ‌گونه اطلاعات استاندارد در مورد ماهیت این بناها به ما نمی‌دهد ولی جالب است به دو مورد توجه شود؛ هردو در بنایی به نام ای. گال. تور. را^۹ با (عنوان کاخ کوچک) که متعلق به ولیعهد است، وجود دارد. قدمت هر دو به روزگار اسرحدون بازمی‌گردند و از نخستین کتیبه می‌آموزیم که اسرحدون به عنوان ولیعهد در ای. گال. تور. را زندگی می‌کند. در کتیبه دوم می‌خوانیم: درحالی‌که آشوربانی پال وارث بر حق تاج و تخت بود و در همان سالی که مراسم سوگند وفاداری او به مقامات کشور اجرا شد، اسرحدون تصمیم گرفت که ای. گال. تور. را ولیعهد را که در شهر تربیس^{۱۰} بود، گسترش دهد. پادشاه اذعان می‌دارد که علت این گسترش برای راحتی آشوربانی پال بوده است. [۳] منشورهای اسرحدون در نینوا در نسخه‌های زیادی کپی و جمع‌آوری شده و توسط آر. بورگر^{۱۱} ترجمه شده‌اند. آن‌ها از فعالیت‌های ساختمانی در مجموعه وسیع کاخی در نینوا حکایت دارند و به بیتانو به عنوان بخشی از مجموعه اشاره شده است. از آنجا که متن حاوی توصیفات آشکاری از ماهیت و اندازه چنین بنایی است، بسیار قابل توجه است.

این ترتیبی است که ویژگی‌های کاخ جدید نینوا در آن ذکر شده است: ایسانی^{۱۲} (نوعی دیگر از ای. گال. تور. را) سپس بیتانو و بعد از آن طبق روال مرسوم در مورد مصالح استفاده شده در ساخت سقف‌ها، درها، تزیینات پرکار و... شرح داده شده است (سطرهای ۹ تا ۲۹)، سپس باغ کاشته شده در اطراف آن و کیریماهو^{۱۳} عنوان شده و چند تأسیسات که با اصطلاحی کلی به آن اشاره شده و به نظر می‌رسد محلی برای

۱- به لاتین Septuagintafi در عربی: سبئینه، نسخه‌ای است از نسخ تورات که در قرن سوم پیش از میلاد و در دوران فرمان‌روایی بطلمیوس فیلادفوس در مصر، به دستور او، یهودیان اسکندریه کتاب عهد عتیق را به زبان یونانی ترجمه کردند. نام این نسخه برگرفته از این روایت است که این کتاب را نزدیک به هفتاد تن از دانشمندان یهودی ترجمه کرده‌اند. -م.

۲- اسرحدون (Esarhad- don) پادشاه آشور بین سال‌های ۶۸۰ تا ۶۶۹ پیش از میلاد بود. او کوچک‌ترین پسر سناخریب پادشاه آشور و همسر دوم آرامی‌اش شهانو نقیعه و پدر آشوربانی پال بود. وی پس از کشتن دو برادرش در نینوا شاه شد که این واقعه باعث شد تا امپراتوری آشور به جنگ داخلی و هرج و مرج فرو رود. -م.

3- Sa bitani

4- Sa pan bitani

5- Sa muhhi bitani

۶- از پادشاهان سلسله دهم بابل در سال‌های ۷۰۰ (یا به قولی ۶۹۹) و ۶۹۴ پیش از میلاد است. وی پسر

محافظان پادشاه بوده باشد، نیز در ادامه آمده است. اسرحدون با ذکر گسترش دادن حیات (کیسالو)^{۱۳}، به سادگی به میزان امنیت موجود اشاره دارد. وی به ساخت شیب‌راهه‌ای که به تخته‌گاه و از آنجا به فضای پوشیده‌ای که نقش پناهگاه را ایفا می‌کند، اشاره داشته و در ادامه به منبع دائمی آب که نیاز اسب‌ها و تشکیلات مربوط به سواره‌ها را برطرف می‌نموده نیز اشاره می‌نماید و دیگر فعالیت‌های خود را شرح می‌دهد (سطرهای ۳۲ تا ۳۴).

پادشاه آشکارا به ساخت بیتانو تأکید دارد که علت این امر می‌تواند نوظهور بودن این پدیده در معماری آشوری باشد. او با ستایش خود در شرح بیتانو در کتیبه اسرحدون می‌گوید که «من کاری انجام دادم که پیش از آن هیچ شاهی انجام نداده است». اشاره دیگری در این کتیبه صورت گرفته که در آن به ابعاد بیتانو و نه کاخ و تخته‌گاه که در چنین متونی متداول بوده، اشاره شده است. ابعاد بیتانو، ۳۱×۹۵ ذرع بزرگ^{۱۴} بود که هر ذرع آن نیم متر طول داشت. بدیهی است که این ابعاد در مقایسه با دیگر کاخ‌های آشوری کوچک هستند، ولی احتمالاً برای بیتانو مساحت زیادی محسوب می‌شده، چراکه به روشنی ذکر شده است. همان‌طور که از شرح آن در ای. گال. تور. را و حوادث رخ داده در بیتانو می‌توان استنباط کرد (به مباحث پیش مراجعه کنید)، می‌توان نتیجه گرفت که بیتانو تعریفی برای بنایی کوچک بوده است.

در جمع‌بندی مدارک ناچیزمان باید گفت که اصطلاح بیتانو به بنایی کوچک اطلاق می‌شده که به اهداف مشخص خاندان سلطنتی، شخص پادشاه و وراث وی در اواخر عصر سارگون اختصاص داشته است (به گوناگونی اصطلاح بیت‌ساری^{۱۵} در نوشته‌های اسرحدون توجه کنید). [۴] و به نظر نمی‌رسد که به‌طور معمول محلی برای اقامت بوده باشد. پیش از تلاش برای برقراری پیوند میان

شواهد آکدی واژه بیتانو با واژه بیتانو اشاره شده در زبان عبری در کتاب استر، باید سایر تحولات این واژه را در متون معاصر بررسی نمود. خارج از کتیبه‌های سلطنتی یادشده، استفاده از واژه بیتانو بسیار نادر است. درواقع عبارت «در برابر بیتانو و در برابر خوابگاه سلطنتی» تنها نمونه‌ای است که در آن به استفاده از بیتانو برای نامیدن بنایی با مصارف سلطنتی یاد شده است. منابع آشور میانه دربارهٔ ویژگی‌های فیزیکی بخش اندرونی^{۱۶} نشان می‌دهند که بیتانو بخش غیرقابل دسترسی از کاخ بوده است که در این شرایط حرم‌سرای پادشاهان آشوری در مرکز چنین جایگاهی بودند. این موضوع در نوشته‌های هارپر نیز منعکس شده است آنجایی در لوح آیینی کوچکی از بابل نواز بیتانو به‌عنوان بخش داخلی معبدی یاد می‌کند.

باوجود اینکه رمزگشایی از عبارت‌هایی که در آن‌ها واژه بیتانو وجود دارد، محدود و دشوار است ولی پیشنهاد می‌کنم برای تفسیر تمامی آن‌ها از دو شاهد موجود و صریح که در دسترس است، استفاده کنیم. هرچند دسته‌ای کوچک از نمونه‌ها باقی می‌ماند که به‌طور قطع نمی‌توان به این صورت آن‌ها را تفسیر کرد. نخستین مورد از این دو، معنی موجود و قطعی بیتان در زبان آکدی است که به معنی «داخل، اندرون، درون خانه و...» است. بیتانو به‌عنوان اسم در تضاد با عبارت بابانو^{۱۷} یا کیدانو^{۱۸} به معنی «خارجی» است؛ و واژه دیگر، استفاده از بیتانو به‌عنوان عمارت کوچک مجلل و مستقل برای استفاده پادشاه و وراث اوست. در دومین مورد که به تعبیر من ریشه‌های آن متعلق به زبان سامی باختری در زبان آکدی است، واژه بیتون^{۱۹} از واژه «بیت» به معنی «خانه» و پسوند «آن» تشکیل شده [۵] که در کنار هم، معنی خانه کوچک را می‌دهد و به‌طور کامل با آنچه در مورد بیتانوی اسرحدون و کتیبه‌های سومری مربوط به ای. گال. تور. را می‌دانیم، منطبق است.

سیناخریب پادشاه آشور بود و پس از اینکه بل-آیینی توسط آشوریان دستگیر و تبعید شد، از سوی سیناخریب به حکومت بابل نشاند شد. -p-

- 7- E-a-na
- 8- E.GAL.TUR.RA
- 9- Tarbis
- 10- R.Borger
- 11- E-tan-ni
- 12- Kirimahu
- 13- Kisallu

۱۴- ذرع یا cubit واحد اندازه‌گیری باستانی است که در تورات و انجیل و اسناد اهرام مصر باستان یافت شده است. اندازه‌های دیگر آن در خاورمیانه دیده شده‌اند. تاریخ ذرع در جهان باستان به دو دسته کلی از اندازه‌ها اشاره دارد؛ دسته نخست نگاهی انسان‌شناختی است که به ذرع کوتاه معروف است و معادل یا حدود ۴۵ سانتی‌متر است و دسته دیگر ذرع معماری است که به ذرع بلند معروف بوده و برابر ۵۲٫۵ سانتیمتر است. در اینجا منظور از ذرع بزرگ همان ذرع بلند است.

- 15- Bit Sarri
- 16- Babanu
- 17- Kidanu
- 18- Biton

این فرض که پادشاهان آشوری ابداعات معماری سرزمین‌های باختری خود را معرفی نمودند، دور از انتظار نیست چراکه آنان سابقه خوبی در انطباق نوع غربی بیت هیلانی^۱ دارند که در میان آشوریان از نیم قرن پیش از این آغاز شده بود و این موضوع ثابت می‌کند که معماری باختر به خوبی قادر به نفوذ در هنر آشوری بوده و آشوریان تحت تأثیر این نفوذ، دست به تقلید و ساخت این نوع از بیتانو در سرزمین آشور زدند. ماهیت و عملکرد بیتانو زمانی بر ما روشن تر می‌شود که درمی‌یابیم در روزگار سارگون عنصر معماری تازه‌ای به زندگی سلطنتی اضافه می‌شود که باغی مرتبط با کاخ است. این حقیقت که اصطلاح تازه‌ای که آشوریان برای اشاره به این عنصر بدیع به کار بردند حاکی از ریشه خارجی آن دارد در واژه بیگانه و عاریه گرفته شده کیریماهو^۲ از سومریان مستتر است که برای نخستین بار در کتیبه سارگون دوم ظاهر می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده ظهور شیوه تازه‌ای در سبک زندگی سلطنتی است که ایجاد باغ در کنار یا در داخل اقامتگاه‌های سلطنتی را نشان می‌دهد. در کتیبه‌های سلطنتی آشور تا زمان زمامداری تیگلت پیلسر اول^۳ علاقه شاهان به باغ و باغبانی در قالب جمع‌آوری گیاهان و درختان خارجی به شکل‌گیری باغ‌هایی در خارج از پایتخت و... بیان شده است. [۶] به هر حال این نکته قابل توجه این است که بی‌تردید علاقه به باغ در روزگار سارگون از جنبه‌های «سودمندی» به اهداف «نمایشی» تغییر می‌یابد. این کار با نشان دادن علاقه به ایجاد بیشترین تنوع گیاهی ممکن در کنار کاخ شاهی تنها به منظور لذت بردن شخص پادشاه نمایان می‌شود. این تغییر در جایگزین شدن اصطلاح باستانی باغ، یعنی «کیرو»^۴ به «کیریماهو» بیان شده است.

در چارچوب این توسعه، اگر فرض کنیم که بیتانو نقش کوشک یا خانه تابستانی را ایفا

می‌کرده، پس گنجاندن بیتانو یا همان «خانه کوچک» در معماری کاخ آشوری کاملاً متناسب بوده است. این بدان معنی است که ساختن باغ و این کوشک در کنار هم تبدیل به یکی از ویژگی‌های اصلی کاخ‌های پادشاهان آشوری گردیده که از عصر سارگون آغاز شده است. هر دوی آن‌ها مانند بیت هیلانی که بنای تزئین شده با رواق است، از سرزمین‌های باختر وارد شده‌اند.

پیش از اینکه این پدیده را با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار دهیم، لازم به ذکر است که مفهوم واژه سامی باختری و قرض گرفته شده برای بیتانو، مرتبط با بیتانوی عبری (یا آرامی و ام گرفته از زبان عبری) در کتاب اِسْتِراست [۷] هنگامی که ساکنین شوش در ضیافت پادشاه آخْشورش^۵ «در حیاط باغ کوشک سلطنتی» مشغول خوش گذرانی بودند او، ملکه و هامان در خود کوشک به نوشیدن و خوردن می‌پرداختند. سهولتی که شاه از سر میز برمی‌خیزد تا به سوی باغ برود و صحنه نمایش بازگشت وی شاید بهترین توضیحی باشد که نشان می‌دهد بیتانو ساختاری گشوده همچون یک تالار ستون دار باز بوده است. [۸]

این موضوع ما را به سوی مطلب جالب و مرتبط با فرضیه مطرح شده در بالا سوق می‌دهد و آن ویژگی ظاهری کوشک‌ها است. گمان می‌کنم که بسیار خوش اقبالیم که نمایی واقعی از چنین بنایی با ساختاری مشابه از سنگ مرمر از کاخ آشور بانی پال را در نینوا در دست داریم.^۶ در قسمت فوقانی ساختار ستون دار کوتاه و اکواداکت درختی شکل آن یک باغ پارک‌مانندی با آبراهه‌های کوچک و درختان بی‌شماری در پیش‌زمینه و تصویری از یک خانه تابستانی یا آل‌چیقی مشرف به تفرجگاه دیده می‌شود.^۷ شواهد باستان‌شناسی از وجود چنین تفرجگاه‌هایی متعلق به پادشاهان ایرانی در پاسارگاد نیز وجود دارند که برای اطلاعات

1- Bit Hilani

2- Kirimahu

3- Tiglath-Pileser I

4- Kiru

۵- اخشورش (Ahasuerus) نام پادشاه ایرانی در سنت یهودی ماقبل مسیحی است که در عهد عتیق آمده است. بر طبق کتاب استر این شاه ایرانی بر هند تا اتیوپی حکمرانی می‌کرده است. به نظر می‌رسد نماینگر نام پارسی باستان خشایارشا، پسر و جانشین داریوش یکم باشد. همچنین محتمل است که نام فارسی باستان اردشیر را برابر با نام عبری آن (اخشورش) در نظر بگیریم. - م.

۶- برای اطلاع بیشتر درباره این نقش برجسته به نوشتار

باغ معلقی پدید آورد تا برای ملکه خود که در منطقه‌ای کوهستانی متولد شده بود، تداعی‌کننده زادگاهش باشد. [۱۱]

وجود باغ منظرسازی شده در هزاره نخست پیش از میلاد در آشور مسائل جالبی از چالش‌های میان فرهنگی در سراسر آسیا ایجاد نمود که در این مقاله نمی‌گنجد. در اینجا تمایل دارم پیشنهادی در باب خاستگاه این سبک باغسازی آشوری در مقابل سبک رسمی طرح باغ در غرب ارائه دهم. باغ کاخ‌ها با کوشک‌های خود به خوبی می‌توانستند در مقیاسی کوچک، تقلیدی از تأسیسات خارج از شهر باشند که با واژه خارجی آمبَسو^۸ نامیده می‌شدند؛ [۱۲] آن‌ها امروزه نیز کاربرد دارند. حیوانات وحشی برای شکار در آمبَسو نگهداری می‌شدند و گیاهان آن را درختان میوه در گونه‌های گوناگون، درختان زیتون وارداتی و ادویه‌های خارجی تشکیل می‌دادند. ترکیب منحصربه‌فرد پارک گیاه‌شناسی و پارک بازی که به نوعی به فعالیت‌های درباری و تشریفاتی مربوط می‌شد سبب گردید که اطلاق واژه «شکارگاه» به تنهایی برای این محوطه کم‌لطفی باشد. در متنی از آشوریان می‌خوانیم که خدای نبو^۹ برای کشتن گاوهای وحشی به آمبَسو می‌رود. در منابع دیگری از متون آشوری نیز به شکار تشریفاتی پادشاهان اشاره شده است؛ [۱۳] اگرچه روشن نیست که این شکار در فضای باز صورت گرفته یا در پارک بازی که البته این موضوع نیز در اینجا مورد بحث نیست. هدف از مطرح کردن آن این است که نشان داده شود این موارد می‌توانند الهام‌بخش باغ‌های سلطنتی منظرسازی شده باشند و تأکید می‌کنم که این باغ‌ها همانند نمونه‌های توسعه‌یافته‌شان در اروپای قرن هجدهم به هیچ وجه نشان‌دهنده دل‌بستگی عاشقانه یا احساسی به طبیعت نیستند. [۱۴]

بیشتر به ارنست هرتزفلد و ارایش اشمیت رجوع نمائید. [۹] چنین آلاچیق‌هایی یکی از ویژگی‌های همیشگی معماری پیچیده کاخ بوده‌اند و ممکن است زینت‌بخش باغ‌های هخامنشی در شوش هم بوده باشند.

مسئله دیگر، ماهیت باغ اقامتگاه‌های سلطنتی آشور در آن زمان است. تاهنگامی که فرض ما بر نظام سودمندی در اوایل دوره آشور استوار باشد، می‌توان دو احتمال را برای باغ-کاخ‌های بعدی در نظر گرفت: باغ رسمی زینتی و باغ منظرسازی شده. نمونه نخست در مصر وجود دارد که پیش از این ظاهر شده بود. [۱۰] همچنین باغ‌های ستون‌دار که مشخصه تمدن‌های موجود در حاشیه مدیترانه هستند، نمونه دیگری است؛ در این نواحی خانه‌های آتریومی یافت شده‌اند که گل‌کاری و کاشت درختان و... را به صورت متقارن و مرکزی طلب می‌نمودند. اگر باغ و کوشک آن همان‌طور که در بالا در نظر گرفته شد میراث غرب به تمدن آشور باشد، چنین سبکی از باغسازی سلطنتی دور از انتظار نیست. به هر حال به نظر می‌رسد که این گونه نباشد؛ باغ‌های پادشاهان آشوری طوری طراحی می‌شدند که از الگوی کوهستانی و پردرخت با جریان‌های آب تقلید کنند. نظریه من در ابتدا بر عبارت توصیفی «به‌مانند کوهستان‌های آمانوس» تکیه دارد که مورد علاقه کاتبان به عنوان مرجع این باغ‌های سلطنتی بوده است و سپس، مبنای این فرضیه، بازنمایی واقعی چنین باغی [در نقش برجسته‌ها] است. بر اساس تنها یک تصویر نمی‌توان به شواهد مستقیمی دست یافت، ولی به گفته بروس [مورخ بابلی-یونانی]، بُخت النصر تپه‌هایی از سنگ در کنار کاخ خود در بابل برافراشت که شبیه به کوهستان‌های واقعی بود و با کاشت همه گونه‌های درختی،

«باغ به مثابه بیانیه سیاسی؛ چند نمونه موردی از خاور نزدیک در هزاره نخست پیش از میلاد، نوشته دیوید استروناخ در همین کتاب رجوع کنید.

۷- برای اطلاعات بیشتر در خصوص باغ‌های آشور و انواع آن رجوع کنید به مقاله: اسدیپور، علی. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی باغ در آثار و نقش برجسته‌های آشوری؛ مفاهیم و گونه‌ها. ماهنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، ۱۵ (۶۰)، ۵۱-۶۲.

8- Ambassu
9- Nabu

